

تئولوژی، عقلانیت مدرن و علوم انسانی جدید

بیژن عبدالکریمی



کتابخانه مجلس شورای اسلامی

۱۳۹۵

سرشناسه: عبدالکریمی، بیژن؛ ۱۳۴۲

عنوان و نام پدیدآور: عقلانیت مدرن و علوم انسانی جدید/ نویسنده: بیژن عبدالکریمی

مشخصات نشر: تهران، نقد فرهنگ، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ۲ ج.

شابک دوره: ۱-۳-۹۴۸۹۸-۶۰۰-۹۷۸؛ شابک ج. ۱: ۱-۴-۹۴۸۹۸-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: نمایه.

مدرجات: ج. ۱: تئولوژی، و عقلانیت مدرن؛ ج. ۲: تئولوژی و تاریخ.

موضوع: ایات، تاریخ

رده‌بندی کنفرانس: ۱۳۹۱، پ ۲۱۷/۸/۶۲ BP

رده‌بندی دیویی: ۹۷۱

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۵۱۲، ۳۳۸

تهران، ضلع جنوب غربی میدان توحید، پلاک ۸۸، ط دوم، واحد ۶، تلفن:

naghdefarhang@gmail.com

۶۶۹۳۵۲۰۹

تئولوژی، عقلانیت مدرن و علوم انسانی جدید

نویسنده: بیژن عبدالکریمی

شمارگان: ۱۰۰۰

نوبت چاپ: اول

سال انتشار: ۱۳۹۵

قیمت: ۳۳۰۰۰ تومان

همه حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع و قابل پی‌گرد قانونی است.

فهرست

۷.....	مقدمه:
.....	ملاحظات پیرامون سرشت «علم کلام جدید» و کارآمدی یا ناکارآمدی
۱۵.....	آن
۳۹.....	مطهری و پروژه عقلانی سازی دین (۱)
۹۷.....	مطهری و پروژه عقلانی سازی دین (۲)
۱۴۷.....	امکان یا عدم امکان تأسیس علوم دینی / اسلامی؟
۲۰۹.....	امکان یا عدم امکان تأسیس علوم جدید دینی / اسلامی؟
۲۴۹.....	تأملاتی پیرامون نسبت الهیات و علوم انسانی
۲۶۷.....	آنچه می توان نام داد
۳۰۱.....	وضعیت علم انسان در ایران
۳۱۳.....	جایگاه روش شناسی در علم انسانی
۳۲۵.....	امر مقدس و پرستشگری
۳۵۱.....	نظریه اجتماعی و متافیزیک
۴۲۵.....	آیا گذر از تئولوژی به آنتولوژی امکان پذیر است؟
۴۶۱.....	آیا از دین خبری برمی خیزد؟
۴۷۳.....	دین، تکنولوژی، رویدادگی
۵۰۳.....	تفکر و امر احاطه کننده
۵۴۵.....	فهمی دینی تر از تلقی نهادهای رسمی دینی
۵۵۱.....	نمایه

مقدمه:

کتاب دو جلدی پیش‌روی، مجموعه‌ای است از مقالاتی که پاره‌ای از آنها در برخی از همایش‌ها و سمینارها ارائه شده‌اند. علاوه بر این، متن‌های پیاده‌شده پاره‌ای از مصاحبه‌های مطبوعاتی، سخنرانی‌ها و مناظره‌های دانشگاهی، تلویزیونی و رادیویی اینجانب، که در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۲ صورت گرفته‌اند به این مقالات افزوده شده‌اند. اطلاعات مربوط به هر یک از این سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها یا مناظره‌ها در ابتدای هر مقاله در اختیار خوانندگان قرار گرفته است، با این امید که توجه به سیاق تاریخی مباحث به فهم بیشتر آنها یاری رساند. آن چه محور وحدت-بخش همه این مقالات است تأمل بر سرشت تئولوژی و اوصاف تفکر تئولوژیک است. این تأمل خود را گاه خود را در بررسی امکان یا عدم امکان تأثیرگذاری بسط و توسعه باطن کلام جدید در مواجهه با روند شتابان رشد سکولاریسم و نیهیلیسم در جوامعی چون جامعه ما، به همراه اندیشه در باره امکان یا عدم امکان تأمل در علوم دینی یا تحقق پروژه دینی کردن یا اسلام‌سازی علوم جدید به صورت کلی و علوم انسانی به طور خاص آشکار می‌سازد و گاه از خلال بحث در باره پاره‌ای از اندیشه‌های کلامی و فلسفی متکلمی چون مرتضی مطهری و شیوه مواجهه او، به منزله نمونه‌ای برجسته از مواجهه تئولوژیک با عقانیت جدید، و اندیشیدن درباره شیوه‌های مواجهه عمده تئولوژیک سنت-گرایان- در معنای عام کلمه- و اسلام‌گرایان جامعه ما با فرهنگ و تمدن جدید غرب نشان می‌دهد. همچنین، کنکاش‌هایی پیرامون هرمنوتیک متون مقدس و نیز درنگی بر تاریخ‌سازی‌های تئولوژیک و ...

همه و همه ما را در تأمل بر سرشت تفکر تئولوژیک و درک ویژگی‌های نظام‌های تئولوژیک یاری می‌رسانند. مرادم از «تئولوژی» به هیچ وجه دین، تفکر معنوی، تفسیر معنوی از جهان یا لقاء الله نیست، بلکه مجموعه‌ای از باورها و اعتقادات نهادینه‌شده تاریخی است که به شکل نظامی اندیشه‌ای درآمده که وصف تاریخی خود را فراموش ساخته، خویشتن را به مثابه حقایق قدسی و فراتاریخی می‌نمایاند؛ و مرادم از تفکر تئولوژیک شده‌ای از اندیشیدن است که بیش از هر چیز و بیش از دغدغه‌ایم پدرها دل‌نگران حفظ این نظام است.

مجموعه مقالات حاضر، حاصل در کنار هم قرار گرفتن پاره‌ای از مقالات نوشتاری برخی من‌های ویراستاری‌شده، تلخیص‌شده، مورد بازبینی قرار گرفته و افزوده شده، تون سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و مناظره‌هایی هستند که بسیاری از مطالب مطرح شده در آنها، به دلایل محدودیت‌های گوناگون زمانی، فنی و غیرفنی، قابل ارائه در مطبوعات و رسانه‌های جمعی ما نبوده، لذا طرح مباحث در آنها به شکلی اولیه، ناقص و عمدتاً بی‌سرانجام صورت گرفته بود. در بازبینی متن‌ها، مطالب، مطالب بعضاً تکراری—مطالبی که در چند نشست متفاوت دانش‌آموزی یا در چند برنامه گوناگون تلویزیونی به اقتضای در جریان قرار گرفتن مخاطب در مسیر بحث، تکرار شده بوده‌اند—حتی المقدور حذف گشته‌اند. سخنرانان آگاه توجه دارند که گاه مطالب به ظاهر تکراری مقدمه‌ای مشترک و بخشی از منظومه‌ای استدلالی در استدلال‌های گوناگون برای پیشبرد بحث‌های مختلف به منظور نیل به نتایج متفاوت بوده‌اند. لذا گاه وجود برخی از تکرارها به منظور ارائه کامل یک شبکه استدلالی اجتناب‌ناپذیر بوده‌اند. همچنین، در هنگام تألیف یا تدوین هر مقاله، این دغدغه وجود داشته است که مبادا صرفاً همان مقاله به طور جداگانه و مستقل و نه همه

کتاب در کلیت و تمامیتش مورد مطالعه قرار گیرد. به همین دلایل، از خوانندگان به جهت وجود پاره‌ای از تکرارها درخواست اغماض دارم. به علاوه، در بازبینی و بازنویسی مطالب عرضه‌شده در برنامه‌های گوناگون حتی‌المقدور کوشش شده است به ابهام‌ها، پرسش‌ها یا اعتراضاتی که برای طیف وسیعی از مخاطبان در سطوح و پارادایم‌های نظری گوناگون در خلال سخنرانی‌ها و مناظره‌ها شکل گرفته بودند و بسیاری از آنها به دلیل محدودیت‌های زمانی در طی برنامه مورد نظری - پاسخ مانده بودند، در حد بضاعت محدود راقم این سطور جواب داده شود.

ممکن است نگارنده مورد این اعتراض قرار گیرد که چرا بیانات عزیزانی که صرفاً مقابل مناظره‌ها بوده‌اند در این کتاب نیامده است. دل‌نگرانی و بیم از به‌رزش مسئولیت ارائه ناقص اندیشه‌های دیگران، دشواری هماهنگ ساختن هم‌ان یزبان برای کاری مشترک، و نیز عدم موافقت احتمالی آنان با ایده‌هایی که صرفاً خود اینجانب آن را دنبال می‌کرده است و کاملاً در تقابل با ایده‌هایی قرار داشت که آنان به تبع گفتمان حاکم بر ساختار سیاسی و اجتماعی ما دنبال می‌کردند - گفتمانی که برای عرضه‌داشت خویش در جامعه به اندازه کافی از تریبون‌های لازم برخوردار است - از جمله دلایلی هستند که شاید این قصور را موجه سازند. قرار گرفتن مقاله‌ای با عنوان «فهمی در باب از تلقی نهادهای رسمی دینی» از آقای امین ارژنگ، دانشجوی دکتری فلسفه در دانشگاه تبریز در بخش ضمیمه جلد نخست این کتاب با این انگیزه صورت گرفته است که این مقاله می‌تواند به روشن‌تر شدن برخی از ایده‌های اصلی راقم این سطور یاری نماید.

علی‌رغم وجود مباحث گوناگون و متکثر در این مجموعه مقالات دو

جلدی، ایده‌ای واحد، یعنی تأکید بر «پایان تفکر تنولوژیک» در روزگار ما، وحدت‌بخش و رهبری‌کننده آنهاست. ایده‌ای که در هر بحث به شکلی خود را می‌نمایاند. جلد نخست با عنوان تنولوژی، عقلانیت جدید و علوم انسانی، عمدتاً به مباحثی در خصوص شیوه مواجهه تفکر تنولوژیک با عقلانیت مدرن و علوم انسانی جدید اختصاص یافته است. بلند رَم این مجموعه، با عنوان تنولوژی و تاریخ، کوششی است برای بررسی انتقادی شیوه مواجهه رویکردهای تنولوژیک با تاریخ، که موجبانه محروم شدن ما از تاریخ به منزله یکی از منابع اصیل معرفتی گردیده است.

مرادم از پایان تنولوژی به هیچ وجه عدم حضور نظام‌های تنولوژیک در فرهنگ‌های عمومی جوامع با عدم حضور آن در عرصه سیاست و استفاده ابزاری از آن به منزله هفتمان قدرت نیست، بلکه به پایان رسیدن سرکردگی (هژمونی) و نفوذ فکری و نظری نظام‌های تنولوژیک گوناگون نه فقط در جوامع غربی بلکه حتی در حیات جوامع به اصطلاح سنتی از جمله جوامع به اصطلاح اسلامی است. ایده پایان تنولوژی اشاره به این حقیقت دارد که دیری است تفکر تنولوژیک دیگر نمی‌تواند راهبر ما باشد و نظام‌های تنولوژیک در جهان کنونی دیگر نمی‌توانند تأوایی برای زیستن ما فراهم آورند. تحولات تکنولوژیک، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و فلسفی‌ای که در چند دهه اخیر در جهان معاصر روی داده و جهان را به سوی شرایط یا عالم جدید پست‌مدرن سوق داده است ما را با دومین شکاف تمدنی خود مواجه کرده است. امروز ما دیگر نه فقط با شکاف میان عالم سنتی خود با عالم مدرن بلکه با شکافی مضاعف یعنی با شکاف میان عالم سنتی خویش با عالم پست‌مدرن نیز روبرویم، عالمی که می‌توان آن را جهانی نیچه‌ای یا عالم بی‌متافیزیک و،

به تعبیر جیانی و اتمو، دوران «اونتولوژی های درهم شکسته» یا دوران «درهم شکستگی همه نظام های اونتولوژیک» نامید. یعنی دورانی که همه نظام های وجودشناختی پیشین ارزش و اعتبار خود را از دست داده اند. با توجه به چنین شرایطی و در یک چنین جهانی و با توجه به فضای فکری در جهان پست مدرن، یعنی تجربه شدن عالم سنت و مدرنیته توسط انسان غربی و فروپاشی همه نظام های اندیشگی سنتی و مدرن، دوران ما را می توان دوران پایان یافتن همه نظام های تئولوژیک سنتی و نهایی نه شده تاریخی نیز دانست و این حقیقت را به خوبی می توان با تمام وجه احسان کرد که در دهه های اخیر همه نظام های تئولوژیک نیز ارزش و اعتبار نظری خویش را از کف داده، وصف تاریخی، قومی و فرهنگی آنها بیسابقه پیش از این آشکار شده است. به همین دلیل، دوران ما را می توان «دوران پایان تئولوژی» یا «دوران پایان تفکرات تئولوژیک» نیز قلمداد کرد.

البته میان ما و تئولوژی نسبتی است متعدد و پیچیده ای وجود دارد که نمی توان آنها را ساده انگارانه نادیده انگاشت. به انکارشان پرداخت یا به یک یا چند نسبت ساده تقلیل شان به تئولوژی، عنصری اساسی از معیولیت یا واقع بودگی^۱ و تاریخ هستی ماست. به همین دلیل سرچشمه تفکر ما نیز هست. بدون سرچشمه ما هرگز در سپار تفکر نمی شدیم و سرچشمه در آینده حضور خواهد داشت. رابطه میان تئولوژی و تفکر، نه امری ایستا بلکه برخوردار از پیوندی فعال است.

ما به تئولوژی به منزله آغاز و سرچشمه تفکر خویش بسیار مدیونیم. ما شاید بدون تجربه اندیشیدن در چارچوب نظام های تئولوژیک مستتر در سنت تاریخی خود از درک بسیاری از ایده ها و مفاهیم متفکران بزرگ

1. Factuality/ Facticity

روزگار خود، همچون کانت، هگل، نیچه و هایدگر — که تئولوژی (مسیحی) سرچشمه و خاستگاه آنان نیز بوده است — ناتوان بودیم. گشودگی نگاه آدمی به بی‌کرانگی و رازآلودی هستی، تحیر در برابر هستی احاطه‌کننده و دریافت عمیق تناهی و سرشت استعلایی آدمی به روی هستی و ماوا گزیدن و سکنی کردن در نفس هستی تنها بر اساس راقع‌رذگی هستی ما در سنتی تئولوژیک امکان‌پذیر است.

برخلاف آنچه در وهله نخست به نظر می‌رسد رویارویی با تئولوژی و اعلا به پایا رسیدن آن به معنای ارائه مفاهیم و آموزه‌های ضد سنت و نقادانه سبب تئولوژی نیست، بلکه تماماً کوشش در جهت یافتن راهی به منظور طرح پرسشی اصیل‌تر و عمیق‌تر از همان یگانه حقیقت اصیلی است که تئولوژی داعیه شناخت آن را دارد. این کوشش هر آن چه را در سنت تئولوژیک اصیل یا بدوران را مانع برای مواجهه اصیل‌تر و عمیق‌تر طرح مسأله وجود در حوزه و روش‌شناسی نیابد، آن را تصاحب کرده، از آن خود خواهد کرد. بنابراین، ایده پایا تئولوژی نه به معنای دعوت به تن دادن و تسلیم شدن به سکولاریسم و انبساط دوره جدید بلکه به معنای فراخوانش به مبارزه با هر اندیشه و نظامی است که بی‌کرانگی هستی را به پای تناهی بشر قربانی می‌سازد. طرح پایا تئولوژی به معنای خواست و تمنای ظهور معنویت و ایمان جدیدی در جهان کنونی است که تحت سیطره عقلانیت علمی و تکنولوژیک جدید و بسط کامل سوژکتیویسم متافیزیکی قرار دارد، ایمان و معنویت که می‌کوشد خود را از همه چارچوب‌های تاریخی و قومی آزاد ساخته و حقیقتی استعلایی — و نه پاره‌ای گزاره‌ها و باورهای اعتقادی جزئی نهادینه شده در نظام‌های تئولوژیک — را محور تفکر خویش قرار دهد. بنابراین، ایده پایا تئولوژی به معنای دعوت برای اندیشیدن به شرایطی است که می‌تواند

احیای تقرب به الوهیت در روزگار ما را فراهم آورد. اعلام پایان
 تئولوژی گامی در جهت تخریب تئولوژی و دعوت به آنتولوژی و
 تفکری اصیل در باره وجود، امر احاطه کننده و حقیقتی استعلایی است
 که به هیچ یک از نظام های تئولوژیک تن نمی دهد. این تفکر چشم انتظار
 ظهور معنا و مفهوم تازه ای از الوهیت فارغ از همه دلالت های تئولوژیک
 یا ضد تئولوژیک است، تفکری که خواهان است خود را به نفس هستی
 گزیده نگاه دارد و رازآلودی و بی کرانگی و افاضه جاودان هستی را در
 مذبح هیچ جزمیت تاریخی— حتی اگر در شکل ایمان به موجود اعلی
 عشق، گنجان کند— به پای هیچ تعینی مابعدالطبیعی قربانی نسازد. تنها
 اندیشیدن به معنای هستی است که می تواند زمینه را برای ظهور الوهیتی
 تازه و قابل پذیرش رای انسان معاصر آماده کند.

بیژن عبدالکریمی

زمستان ۱۳۹۲